

جغرافیای تاریخی شهر دوین و جایگاه آن در مناسبات ایران و بیزانس در روزگار ساسانیان

پرویز حسین طلایی*

استادیار تاریخ ایران باستان، دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ دریافت: (۹۶/۰۸/۰۸) تاریخ پذیرش: (۹۶/۱۱/۱۴)

Historical geography of the city Devin and its place in the relations of Iran and Byzantine in the Sassanid era

Parviz Hossein Talaei

Assistant Professor History Ancient Persia, Shahid Bahonar University

Received: (2017/10/30)

Accepted: (2018/02/03)

Abstract

To determine the historical geography of cities over a period of historical political, military, economic and religious have a special, makes the analysis more accurate and cause and effect of events take place during that period. Among these cities should be in the border town of Devin pointed out that the geographical location of special place, although the city's age to the third millennium BC, but its growth and development in the mid-fourth century can be traced. At the same time as replacing the former capital of Armenia, the Armenian artashat and after the extinction of the Parthian dynasty, was selected as a border settlement. In fact, this research seeks to geographical location of the city and the reasons for its importance in Iran and Byzantium's circle competition. To achieve this purpose, the methods of historical research (descriptive) and based on the evidence and the views of researchers, used. The findings of this study suggest the importance of politico-military, economic, commercial and religious city, due to its geographical location. As the takeover of the city by Iran and Byzantium as Mesopotamia and dominate the coastal areas of the Black Sea region was considered. And from these areas could easily threaten each other's administrative center. In terms of religious as well as economic and trade exchanges between the two countries was one of the centers where it took place. And in certain cases where religious councils were formed.

Keywords: Armenia, Devin, Arshakuni, Sassanian, Byzantine.

چکیده

بررسی جغرافیای تاریخی شهرهایی که در دوره‌هایی از تاریخ، اهمیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و مذهبی ویژه‌ای داشته‌اند، باعث می‌شود که تحلیل و تعلیل دقیق‌تری از رویدادهای آن دوران صورت گیرد. از جمله این شهرها بایستی به شهر مرزی دوین اشاره کرد که به لحاظ موقعیت جغرافیایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ گرچه قدمت این شهر به هزاره سوم پیش از میلاد می‌رسد، اما رشد و گسترش آن به اواسط قرن چهارم میلادی باز می‌گردد. به صورتی که در همین زمان جایگزین پایتخت قبلی ارمنستان یعنی آرتاشات شد و پس از انقراض سلسه اشکانیان ارمنستان، به عنوان مرزبان نشین انتخاب گردید. در واقع این پژوهش در پی آن است تا به موقعیت جغرافیایی این شهر پرداخته و به چرایی اهمیت آن در دایره رقابت‌های ایران و بیزانس بپردازد. برای نیل به این هدف تلاش شده است از شیوه پژوهش‌های تاریخی (توصیفی - تحلیلی) و بر اساس شواهد موجود و نظریات پژوهشگران، استفاده شود. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که اهمیت سیاسی - نظامی، اقتصادی - تجاری و مذهبی این شهر، برخاسته از موقعیت ژئوپلیتیکی آن بود؛ چنان‌که تصرف این شهر توسط ایران و بیزانس به منزله تسلط بر مناطق بین‌النهرین و مناطق ساحلی دریای سیاه به شمار می‌رفت و از این مناطق می‌توانستند به راحتی مرکز حکومت یکدیگر را مورد تهدید قرار دهند. از لحاظ اقتصادی و مذهبی نیز به عنوان یکی از مراکزی بود که تبادلات تجاری دو کشور در آنجا صورت می‌گرفت و در مواقع خاص شوراهای دینی در آنجا تشکیل می‌شد.

کلیدواژه‌ها: ارمنستان، دوین، آرشاکونی، ساسانیان، بیزانس.

۱. مقدمه

دربرگیرنده بخش عمده‌ای از مناسبات این دو قدرت در دوره ساسانی است، چنان‌که هرگونه مطالعه‌ای درباره مناسبات ایران و بیزانس، بدون پرداختن به شهرهای مرزی غیر ممکن می‌نماید؛ چرا که از دست رفتن چنین شهرهایی در دوره ساسانی به تغییر عمده در توازن قدرت منطقه منتهی می‌شد. مرکز تصادم و تلاقی این دو قدرت بزرگ عصر باستان در شهرهای واقع در مناطق قفقاز، آسیای صغیر، بین‌النهرین و سوریه بوده است. شهرهای مرزی که در این مناطق مورد حمله طرفین قرار می‌گرفت؛ هر کدام با توجه به اهمیت و ویژگی‌ای که داشتند، دارای ساخت و کارکردهای گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی، دینی و ژئوپولیتیک بودند که میل دو دولت را برای تصرف آنها دوچندان می‌کرده است. این عوامل، ادعای مالکیت بر سرزمین‌های یکدیگر و اهمیت شهرهای مرزی میان دو دولت، در کنار هم منجر به درگیری‌های مداومی میان این دو قدرت شد که گستره‌ی این کشمکش‌ها را در تصاحب و رد و بدل شدن شهرهای مرزی در غرب شاهنشاهی ساسانی و شرق امپراتوری بیزانس می‌توان دید.

با بررسی و تجزیه و تحلیل منابع یونانی - رومی و منابع شرقی که اطلاعاتی از این درگیری‌ها به دست می‌دهند؛ می‌توان به اهداف، انگیزه‌ها و منافع ایران و روم پی برد. در ابتدا، حاصل این درگیری‌ها در زمان اشکانیان، قرار گرفتن رودخانه فرات، اما نه به طور ثابت، به عنوان مرز میان این دو دولت بود؛ اما امپراتوران روم به خاطر دستیابی به منافع ژئوپولیتیک، اقتصادی، تجاری و سیاسی بیشتر و رسیدن به متصرفات اسکندر، درصدد تصرف مناطق ارزشمند میان دجله و فرات، قفقاز، بین‌النهرین و آسیای صغیر بودند که در زمان تراژان (۹۸-۱۱۷ م)

به دنبال انقراض تدریجی سلسله سلوکی که قلمرو آن در دو قدرت اشکانیان در شرق و رومی‌ها در غرب، به تحلیل رفت؛ اشکانیان با رومی‌ها هم مرز شدند. مرزهای مشترک این دو قدرت، باعث به وجود آمدن درگیری‌هایی بین آنها شد؛ رومی‌ها با توجه به مشکلات داخلی اشکانیان توانستند بر مناطق ژئوپولیتیک قفقاز، بین‌النهرین و آسیای صغیر دست پیدا کنند و برای حفاظت آنها در برابر ایرانی‌ها به ایجاد قلاعی مستحکم در آنها دست یازیدند. پس از انقراض اشکانیان، قلمرو آنها به همراه مرده ریگ درگیرهایشان با روم به ساسانیان انتقال پیدا کرد. ساسانیان از همان ابتدا چون خواهان تسلط بر سرزمین‌های شرق فرات و بیرون راندن رومی‌ها از آنجا بودند، سیاست تهاجمی را در پیش گرفته و به فتح این سرزمین‌ها در مقاطع مختلف پرداختند. قلاع مستحکمی که رومی‌ها در برابر ایرانی‌ها ایجاد کردند، نمی‌توانست در برابر ساسانی‌ها مانعی ایجاد کند و آنها می‌توانستند به راحتی به سرزمین‌های شرقی روم حمله ور شوند؛ بنابراین امپراتوران رومی و بیزانسی در شهرهای مرزی به ایجاد استحکامات و در جاهایی نیز به ایجاد شهرهای مستحکم مرزی روی آوردند. امپراتوران رومی با ایجاد این شهرها، باعث پیشگیری و یا حداقل مانع پیشرفت سریع ایرانیان در ارمنستان، آسیای صغیر، بین‌النهرین، سوریه و رسیدن به سرزمین‌های رومی شدند؛ از سویی دیگر ساسانی‌ها نیز به مرور زمان توانایی محاصره طولانی مدت این شهرها و گرفتن آنها را به دست آوردند.

بنابراین باید گفت که شهرهای مرزی و کشمکش‌های ایران و بیزانس بر سر تسلط آنها،

دائم نیروهای نظامی در مناطق مذکور مشاهده کرد. با توجه به توضیحات بالا، باید اذعان کرد که در دوره ساسانی برخی از شهرهای مرزی مانند شهر دوین به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی که داشتند، نقش مهمی را در رویارویی‌های ایران و بیزانس ایفا نموده‌اند؛ تا جایی که می‌توان گفت این شهر در معادلات سیاسی - نظامی، اقتصادی و مذهبی میان دو قدرت بزرگ عصر باستان نقش آفرینی کرده است. بررسی جغرافیای تاریخی این شهر می‌تواند برای به‌دست آوردن شناختی دقیق‌تر از مناسبات ایران و بیزانس در دوره ساسانی سودمند باشد. شهر دوین در منطقه قفقاز، در ارمنستان و دشت آرات قرار گرفته است. حال، این پژوهش حاضر بر آن است بر اساس منابع دست اول و هم چنین استفاده از تحقیقات جدید به این پرسش پاسخ دهد که شهر مرزی دوین چه ساختی داشته و کارکرد آن برای امپراتوری بیزانس و شاهنشاهی ساسانی چه بوده است؟ در رابطه با پیشینه تحقیق نیز باید اشاره کرد که از طرفی مورخان و محققان ایرانی از دیر باز تاکنون کمتر به این شهر پرداخته‌اند؛ از طرفی دیگر به صورت جسته و گریخته نیز مطالبی از این شهر در کتاب‌ها و پژوهش‌های جدید غربی‌ها دیده می‌شود، که از سویی این مطالب پراکنده و از دیگر سو با نگاه غربی به این موضوع نگریسته شده است. بنابراین در این پژوهش ابتدا به ساخت و پیشینه این شهر و موقعیت جغرافیایی آن پرداخته شده و در ادامه به واکاوی نقش سیاسی - نظامی، اقتصادی و مذهبی این شهر در مناسبات ایران و بیزانس می‌پردازد.

تا حدودی محقق شد. تراژان پس از فتح بین‌النهرین، مرز شرقی امپراتوری روم را از فرات به دجله تغییر داد. جانشینان وی به خاطر حفاظت از مناطق متصرفی در برابر حملات اشکانیان، به سیستم دفاعی روی آوردند و شروع به ایجاد استحکامات و قلاعی در مرزهای خود در شرق نمودند.

با روی کار آمدن سلسله ساسانی در سال ۲۲۴ میلادی، رومی‌ها و در ادامه بیزانسی‌ها (اوایل قرن چهارم به بعد) همچنان به سیاست دفاعی خود در این دوره ادامه دادند. گرچه امپراتوران بیزانس در مواقعی که اوضاع را مساعد می‌یافتند، به تأسی از اقدامات و افتخارات اسکندر در گذشته، سرزمین‌های غربی ایران را مورد تعرض قرار می‌دادند؛ اما آنها جدا از تقویت چند باره استحکامات شهرهای مرزی، با انتقال پایتخت امپراتوری از غرب به شرق، مرکز ثقل سیاست خارجی خود را به مرزهای ایران نزدیک کردند. ساسانیان نیز از همان ابتدا، پس از سر و سامان دادن امور داخلی، در قبال مرزهای غربی امپراتوری سیاست تهاجمی در پیش گرفتند. در این رابطه منابع کلاسیک یونانی - رومی و منابع شرقی از بازپس گیری متصرفات پیشین هخامنشی توسط ساسانیان سخن به میان آورده‌اند؛ به هر حال، بایستی گفت که ساسانیان نمی‌خواستند بیزانسی‌ها پایگاهی (هر شهر مرزی، نقش پایگاهی را برای دو امپراتوری ایفا می‌کرد) در سرزمین‌هایی مانند قفقاز، بین‌النهرین و آسیای صغیر داشته باشند. بنابراین برای ایران و بیزانس در دوره ساسانی، شهرهای مرزی به عنوان یک ضرورت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ نتیجه این وضعیت را می‌توان در تقویت و ایجاد استحکامات شهرهای مرزی و نیز استقرار و حضور

۲. ساخت و پیشینه شهر دوین

در حال حاضر، با کاوش‌هایی که از شهر دوین (جنوب ایروان) که از سال ۱۹۳۷ میلادی آغاز و در دهه‌های بعدی نیز ادامه یافت، اطلاعات بسیار ارزشمندی در مورد این شهر اوایل قرون وسطایی ارمنستان به دست آمده است. بقایای دوین بر روی تپه توپراخ-کالا (Toprakh-kala) مشخص شده و کاوش‌ها نشان می‌دهد که این تپه دارای تاریخ بسیار قدیمی است. قدیمیترین اسکان در این جا در پایان هزاره سوم پیش از میلاد در دوره مس سنگی (Eneolithic) بوده است. این منطقه در زمان‌های بعد از جمله دوره اورارتوئیان آباد و دارای سکنه بوده است (Mongait, 1961, Chapter 7, Dvin)، اما آیا این سکنی مستمر بوده است یا نه، هنوز مشخص نیست؛ ولی در کاوش‌ها، یافته‌های متعددی از دوره هلنی به دست آمده است. در خاکبرداری‌های تپه دوین، نشانه داده شده که این شهر در درون یک دیوار دفاعی محصور شده و در زمان اشکانیان ارمنی (۵۳-۴۲۸ م.) محل سکونت بوده است (Kafadaryan, 1965: 284 به نقل از Kettenhofen, 1996, 616-619) (نقشه شماره ۱).

در دوران سلسله اشکانیان (آرشاگونی) ارمنستان^۱ این شهر دوران رشد و ترقی را از سر گرفت. در اواسط قرن چهارم میلادی خسرو (۳۳۸-۳۳۰ م.)^۲ به پادشاهی اشکانیان ارمنستان، انتخاب شد. پادشاهی کوتاه مدت وی، با سازندگی به ویژه در منطقه‌ای که دوین قرار گرفته، همراه بود؛ چنان‌که پاستوس در کتاب خود درباره کاشت جنگل توسط خسرو پادشاه ارمنی‌ها در این منطقه سخن گفته و دوین را نام تپه‌ای دانسته است^۳، این در حالی است که موسی خورنی دوین را واژه‌ای پارسی به معنی تپه دانسته و

۱. بلاش یکم (۵۱-۷۸ م.) پس از به سلطنت رسیدن، پادشاهی سرزمین ارمنستان را در سال ۵۳ میلادی به برادر کوچکش تیرداد بخشید (پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۰۴؛ ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۳۳۸؛ بیوار، ۱۳۸۳، ۱۷۸-۱۷۹). تیرداد پس از گرفتن ارمنستان، پایه گذار سلسله‌ای به نام آرشاگونی (اشکانیان ارمنستان) شد. این سلسله که به عنوان شاخه‌ای از حکومت اشکانیان ایران به شمار می‌آمدند، پس از سقوط حکومت اشکانیان ایران (تا اواسط نیمه پنجم میلادی) نیز به عمر خود تحت سلطه حکومت ساسانی، ادامه دادند (Henzel, 2008: 77; Parpecis, 1991: part One, 13).

۲. وی جانشین پدرش تیرداد سوم شده بود.

۳. «پادشاه به سردارش فرمان داد، کارگرانی پر شمار از کشور گرد کنند، درختان بلوط وحشی را از جنگل بر کنند و بیاورند و به شهرستان آیرارات، از دژ استوار دربار، که گارنی می‌گفتندش، تا دشت متسامور، تا تپه‌ای که دوین نام دارد و در شمال شهر بزرگ آرتاشات بود، بنشانند. این چنین در مسیر رودخانه تا فرو دست، تا کاخ تیگنونی، جنگل کاشتند. او این جنگل را جنگل تاجار نامید. جنگلی دیگر در جنوب آن، در حاشیه ی نیستان کاشتند و سراسر دشت را با نهال بلوط پوشاندند. نام این را نیز خسروگرد نهادند. در همان جا کاخ‌های درباری نیز ساختند. پیرامون هر دو جنگل را دیوار کشیدند، بی آنکه به یکدیگر بچسبانند، تا راهی برای آمد و شد باشد. جنگل رشد کرد و قد برافراشت. آن گاه پادشاه فرمان داد، جانوران شکاری و ددانی از هر دست گرد کنند و در جاهای محصور در دیوار اندازند، تا مکانی بهر شکار و گردش و بزم پادشاه باشد. واچه بی‌درنگ خواست پادشاه را به جای آورد» (P'awstos, Buzandac'i's, Third Book. 8).



در این باره می‌نویسد:

«خسرو در سال سوم پادشاه هرمزد پارسی و سال هشتم حکومت کستاندوس با کمک وی به پادشاهی رسید؛ او در قبال شجاعت و یادگاری‌های نیک بی توجه بوده، وقت خود را مصروف تفریح، شکار پرنده و سایر شکارها می‌کرد و بدین جهت نیز در حوالی رود آزاد جنگلی غرس نمود که تا امروز نیز به نام او خوانده می‌شود. همچنین دربار را به تپه‌ای واقع در بالای جنگل منتقل نموده، قصری سایبان دار بنا نمود. آن محل به زبان پارسی دوین گفته می‌شود که به معنی تپه است. به دنبال آن ساکنان آرتاشاد نیز با این عمل مخالفت نکرده و داوطلبانه این انتقال را پذیرا شدند» (موسی خورنی، کتاب سوم، ۸، ۲۲۴-۲۲۵).

کتنهوفن گفته هر دو مورخ را صحیح ندانسته و موسی خورنی را مورخ قرن نهم میلادی می‌داند. البته بایستی گفت که طبق نظر اکثر محققین و مورخین، پاستوس بوزند، کتاب خود را در نیمه اول قرن پنجم میلادی و موسی خورنی کتاب خود را در اواخر قرن پنجم نوشته است. بنابراین می‌توان گفت از لحاظ زمانی، فاصله زیادی میان این دو مورخ وجود ندارد و گزارش این دو نویسنده ارمنی به حقیقت می‌نماید. کارند نیز از تأسیس این شهر توسط خسرو دوم سخن رانده و می‌نویسد که دوین نیز در منطقه‌ای که آرتاشاد (دشت آرات) قرار داشت، به وجود آمد ولی آرتاشاد در قسمت جنوبی این دشت واقع شده بود (Canard, 1983: 678)!

۳. موقعیت جغرافیایی شهر دوین

شهر دوین (Dvin) بر طبق منابع ارمنی از جمله کتاب پاستوس (Buzandac'i's, Third Book. 8) به صورت Dwin یا Duin و در منابع رومی مانند پروکوپئوس (Procopius, Book II, XXIV. 15-21) و در منابع اوایل XXV. 2-10 Dubius یا Doubios و در منابع اوایل

به هر حال گزارشات این دو مورخ ارمنی نشان می‌دهد که خسرو سوم دستور داده بود که جنگلی در منطقه‌ای که دوین قرار گرفته به وجود آورند؛ ولی موسی خورنی در گزارش خود ادامه می‌دهد که دربار از آرتاشاد به شمال این جنگل یعنی دوین انتقال پیدا کرد؛ پاستوس در این باره به صورت روشن سخن نگفته است ولی از ساختن کاخ‌های درباری در این منطقه خبر داده است. کتنهوفن از سخنان این دو مورخ درباره جابجایی پایتخت چنین نتیجه گرفته است: «گفته شده که احتمالاً در نیمه اول قرن چهارم میلادی در زمان خسرو پادشاه ارمنستان یک شکارگاه تأسیس شده، ولی اغلب بر اساس گزارش نامعتبر موسی خورنی (قرن نهم میلادی) که به متن بسیار کوتاه ساختگی از فوستوس تکیه کرده است، این دیدگاه که خسرو پایتخت را از آرتاشاد (آرتاکساتا) به دوین منتقل کرده است، بیان می‌کنند» (Kettenhofen, 1996: 616-619). در واقع

۱. لانگ نیز به ساخت این شهر توسط خسرو دوم که به کوتک (Kotak) معروف بود، اشاره کرده است (لانگ، ۱۳۸۳: ۶۳۰). در این باره نویسندگان کتاب تاریخ ارمنستان نیز می‌نویسند: در شمال غرب آرتاشاد پایتخت قدیمی و در یک مکان مناسب که در مرکز آن تپه‌ای برای بنای دژ میانی وجود داشت، شهر شاه نشین جدید ارامنه یعنی دوین بنا می‌گردد که به زودی وجهه آرتاشاد را از بین برده، نقش تجارتی آن را به خود اختصاص داد. در نزدیکی دوین جنگل‌هایی غرس می‌شوند و دو شکارگاه به وجود می‌آورند که یکی معبد مادر و دیگری خسروگرد نامیده شدند. این‌ها با حیوانات مختلف پر شده و تبدیل به شکارگاه‌های سلطنتی می‌گردند (خداوردیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۱۳۶).



۲. نقشه شماره ۲.

اسلامی به صورت دبیل یا دوایل نوشته شده است، اما امروزه در بین مورخین و محققان، این شکل نوشتن Dvin رواج بیشتری پیدا کرده است (برای اطلاعات بیشتر در مورد واژه دوین بنگرید به Canard, 1983, 678 و نیز Kettenhofen, 1996, 616-619).

دوین، شهر تجاری بزرگ و پایتخت ارمنستان در اوایل قرون وسطی بود. این شهر در شمال پایتخت باستانی قبلی ارمنستان آرتاشات (آرتاکساتا) (Artaxata)، در سمت چپ ساحل آزات در حدود ۳۵ کیلومتری جنوب پایتخت کنونی ارمنستان در ایروان قرار گرفته است (Kettenhofen, 1996, 616-619). در این رابطه می‌توان اذعان کرد که تمام پایتخت‌های ارمنستان، آرماویر، یرواندشاد، آرتاشاد، واغارشاد و بعداً دوین در دشت آرات واقع شده اند. دشت آرات از قرن ۴ پیش از میلاد تبدیل به قلب ارمنستان شده بود، چنان‌که راه‌های تجاری که از شمال تا جنوب (از روی ارس) و از شرق تا غرب در همین جا یکدیگر را قطع می‌نمودند، یکی از عوامل پیشرفت شهرها بودند (خداوردیان و دیگران، ۱۳۶۰، ۶۴). پروکوپوس نیز در کتاب خود «تاریخ جنگ‌ها» درباره این شهر آورده است: دیوس سرزمینی بسیار با صفا و حاصلخیز است و مخصوصاً آبی فراوان و هوایی سالم دارد و فاصله آن تا شهر تئودوزیوپولیس به قدر هشت روز راه است (Procopius, Book II, XXV. 2-10) (نقشه شماره ۲).

۴. نقش دوین در مناسبات ایران و بیزانس

الف) مناسبات سیاسی و نظامی

پس از درگیری‌های مداومی که ایران و روم بر سر ارمنستان از زمان اشکانیان آغاز کرده بودند، سرانجام این دو قدرت عصر باستان در دوره ساسانیان و در سال ۳۸۷ میلادی به تقسیم این سرزمین پرداختند (Dignas; Winter, 2007, 185). طبق توافق سال ۳۸۷ میلادی، بخش شرقی و بزرگتر ارمنستان بهره‌ی ایرانیان و بخش کوچکتر و غربی آن بهره‌ی روم شد (Toumanoff, 1961: 5; Grosby, 1997: 18, 24). تعیین حدود دقیق حوزه‌های نفوذ ایران و بیزانس در ارمنستان نه فقط به خاطر گسترش قلمرو سرزمینی بلکه علاقه فرهنگی نیز در این تقسیم دخیل بوده است (Adontz, 1970: 9). در هر دو بخش شاهزادگان اشکانی هم‌چنان به عنوان فرمانروایان دست نشانده، به حکومت گماشته شدند. آرشاک سوم در بخش رومی و در بخش ایران، خسرو چهارم به سلطنت ارمنستان انتخاب شدند (Blockley, 1987: 229-230; Baynes, 1910: 642-643; Toumanoff, 1971: 116; Henzel, 2008: 76). پس از این تقسیم، شهر دوین در بخش ارمنستان ایرانی (Persarmenia) قرار گرفت (Canard, 1983: 678) اما در این زمان والارشاپات (Vafarshapat) به عنوان پایتخت انتخاب شد.

اقدامات ارمنی‌ها در راه کسب وحدت ملی،

۱. طبری، ۱۳۷۵: ۱۴/۶۰۳۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۹/۱۳۶؛ مقدسی، ۱۳۶۱:

۱/ ۵۵۵ و ۶۸؛ ابن‌الفقیه همدانی، ۱۳۴۹: ۱۳۰ و ۱۳۱؛ بلاذری، ۱۳۳۷:

یاران ارمنی اش در میدان نبرد از پای درآمدند (لانگ، ۱۳۸۳: ۶۳۲؛ Russell, 1987: 138).^۱ به دنبال آن بسیاری نیز به داخل ایران تبعید گشتند (Elishē; 1982: 57-58؛ دریایی، ۱۳۸۳: ۳۹؛ Bournoutian, 1995: 78). ویدن گرن بر این باور است که یزدگرد دوم از نتیجه این اقدام خشونت آمیز خود مایوس شد و در پی راه‌حلی مسالمت آمیز برای حل این بحران بود (ویدن گرن، ۱۳۷۷: ۳۸۹). بنابراین در اواخر سلطنت یزدگرد دوم و شاهان پس از وی آزادی‌هایی به ارمنی‌ها داده شد، اما این آزادی‌ها زیاد طول نکشید و باز در سال ۴۶۰ میلادی سیاست قدیمی تغییر مذهب ملت ارمنی به زور اسلحه مطرح شد. پادشاه جدید، پیروز (۴۵۹-۴۸۴ م.)، حقوق و امتیازات موروثی ناخارارها را نادیده گرفت. بنابراین نارضایتی توده‌ای آغاز و شکست ایرانی‌ها توسط هون‌ها در شرق کشور، شرایط قیام را در ارمنستان مهیا کرد. ناخارارهای ارمنی بدون درنگ در شیراک شور کرده و تصمیم به مبارزه یکپارچه با اشغال‌گران خارجی گرفتند. واهان مامیکنیان رهبر قیام شد و ملت ارمنی نیز به حمایت از وی پرداخت (سارکسیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۱۶۰)؛ نه حصارهای آنی و نه دژ میانی آرتاشاد، هیچ کدام مرزبان ایرانی را نجات نداد و وی هراسان از خشم مردم به ایران فرار کرد. شورشیان کشور را تصاحب کرده و ساهاک باگراتونی را به عنوان مرزبان و واهان

ساسانیان را به واکنش در برابر آنها مجاب کرد. چنان‌که در زمان بهرام پنجم (۴۲۱-۴۳۸ م) بود که به درخواست اشراف و بزرگان ارمنی پادشاه اشکانی ارمنستان از پادشاهی خلج و ارمنستان به عنوان یکی از ایالات ایران درآمد (Parpecis, 1991: part One, 13). از آن پس، سلسله آرشاکونی ارمنستان که دو قرن پیش از شاخه اصلی خود یعنی اشکانیان ایران به عمر خود ادامه داده بود، منقرض گردید و ارمنستان استقلال خود را از دست داد.

ارمنستان پس از بر افتادن پادشاهی آرشاکونی در سال ۴۲۸ میلادی به استانی از شاهنشاهی ساسانی تبدیل و مرکز آن به شهر دوین انتقال یافت. اداره ی آنجا به مرزبان یا ساتراپی که بالاترین مقام آن استان بود، سپرده شد و نیز شهر دوین به عنوان محل اقامت مرزبانان ایرانی تعیین شد (Parpecis, 1991: part One, 12-13؛ Blockley, 1987: 234؛ کریستین سن، ۱۳۷۵: ۳۸۲). این دوره از تاریخ ارمنستان به دوره «مرزپانت» معروف شد (دریایی، ۱۳۸۳، ۳۸)؛ با این حال، ناخارارهای ارمنی که دارای هویت و سازمان مستقل خود بودند در اداره امور استان نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند.

پس از مدتی، پادشاه ایران، یزدگرد دوم (۴۳۸-۴۵۷ م.) هنگامی که موفق به بهبود روابط خود با بیزانس گردیده و هفتالیان را از مرزهای ایران دور نمود، درصدد زردشتی کردن ارمنستان افتاد (سارکسیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۱۵۴-۱۵۳؛ Elishē, 1982: 57-58؛ Bournoutian, 1995: 77؛ Toumanoff, 1961: 6). این اقدام باعث شد که ارمنیان در مقابل آن واکنش نشان دهند؛ در نتیجه جنگی میان آنها در دشت آوارایر ۲ ژوئن ۴۵۱ میلادی درگرفت که واردان و چندین هزار تن از

۱. ۶۶۰۰۰ هزار ارمنی به فرماندهی قهرمان ملی، شاهزاده واردان مامیکونیان با سپاه ۲۲۰۰۰۰ نفری ایرانیان پیکار کردند. واردان و چندین هزار تن از یارانش در میدان نبرد از پای درآمدند و مرگ این شهدا را تا به امروز در تقویم ارمنی به نام پنجمین آرمزیده یادآوری می‌کنند (لانگ، ۱۳۸۳: ۶۳۲؛ Russell, 1987: 138).

سیاست ساسانیان نیز نسبت به ارمنستان تغییر کرد. وی با در نظر گرفتن ناکامی‌های یزدگرد و پیروز در ارمنستان، درصدد مصالحه با ارمنیان برآمد، به همین منظور یک نفر از مقامات بلندپایه را برای مذاکره با واهان به ارمنستان فرستاد (Chaumont, 1987: 430). به هرحال، وی با شورشیان به رهبری واهان صلح کرد و موافقت شد که آتشکده‌های موجود در ارمنستان ویران گردد و دیگر آتشکده‌ای در این سرزمین ساخته نشود و مسیحیان بدون ترس از گرویدن اجباری به آیین زردشتی در عمل کردن به مراسم عبادی مسیحی آزاد باشند (Chaumont, 1987: 430 فرای، ۱۳۸۳: ۲۴۸). به علاوه مقرر گردید که ارمنستان را مستقیماً پادشاه ساسانی اداره کند (فرای، ۱۳۸۳: ۲۴۸).

این سیاست بلاش به زودی نتیجه‌ی خود را داد و بین آنان صلح برقرار گردید که در پی آن در گزارش‌های بیزانسی و ارمنی از این پادشاه به نیکی یاد شده است (Schippmann, 1989: 579) و حتی در اختلاف بین بلاش و برادرش پیروز آنان جانب بلاش گرفتند و به یمن کمک‌هایی که از جانب ارمنیان رسید، بلاش موفق شد بر رقیب خود پیروز شود (Chaumont, 1987: 94; P'arpec'i's, 1991: 430؛ کریستن‌سن، ۱۳۷۵، ۳۹۸؛ شیپمان، ۱۳۸۴: ۵۰). بلاش همچنین برای جبران کمک ارمنی‌ها، مرزبانی ارمنستان را از آندکان ایرانی گرفته و به شخص واهان مامیکونیان (سر دسته شورشیان) واگذار کرد؛ بنابراین واهان مامیکونیان به عنوان مرزبان در دوین مسقر شد؛ پس از این واقعه دیگر باره کیش مسیحی، در سال ۴۸۵ میلادی مذهب رسمی ارمنستان شد (Chaumont, 1987: 430; Henzel, 2008: 171)؛ سارکسیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۱۶۳). در این دوره نیز

مامیکونیان را به عنوان اسپهبد برگزیدند و سپس دوین را به عنوان مرکز کشور در نظر گرفتند. انتخاب شهر دوین توسط شورشیان ارمنی برای مقاومت در برابر ساسانیان، نشان از جایگاه ژئوپلیتیک این شهر و حصارهای مستحکم آن دارد.

پس از یک سلسله درگیری که به پیروزی شورشیان ارمنی انجامید، در بهار سال ۴۸۳ میلادی سپاه بزرگ ایران به سرداری هازار اووخت وارد ارمنستان شده و به محاصره شهر دوین پرداخت؛ ولی واهان مامیکونیان، اسپهبد ارمنه که در آنجا بود، با حمله ناگهانی، دشمن را دچار دستپاچگی نموده، صفوف آن را شکافت و با هنگ کوچک خود به نواحی کوهستانی رفت. پس از آن تا اواخر تابستان سال ۴۸۴ میلادی، او جنگ‌هایی با سپاه هازار اووخت انجام داد. در این مدت مامیکونیان با کمک مردم، و با حملات ناگهانی و غافلگیرکننده، قشون دشمن را به تنگ آورده و در دسته‌های جداگانه آنها را نابود ساخت. پس از عدم موفقیت سردار ایرانی، مهران - شاپور جانشین وی شد، وی نیز به علت ناتوانی در پایان دادن به این جنگ‌ها، با ویران کردن و تخریب اماکن مسکونی و نواحی مختلف تمام خشم خود را متوجه مردم بی سلاح و دفاع کرد (خداوردیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۱۵۹-۱۶۳). بنابراین جنگ‌های پیاپی که بین سپاه ساسانی و شورشیان ارمنی در گرفت به پیروزی شورشیان منتهی شد. در این بحبوحه سپاه ساسانی به دست هپتالیان نابود گردید و پیروز در جنگ کشته شد (فرای، ۱۳۸۳: ۲۴۷). با شکست ایران و کشته شدن پادشاه ایران، مهران - شاپور با توجه به این اوضاع بحرانی، به پایتخت فراخوانده شد (P'arpec'i's, 1991: 86-87). با روی کار آمدن بلاش اول (۴۸۴-۴۸۸ م.)،

سفارت به خاطر خیانت برادر اسقف دوین که والرینوس را در جریان گرفتاری خسرو به خاطر طغیان برادرش و هم چنین طاعونی که گریبانگیر سپاهیان ایران شده بود، گذاشت، بی نتیجه ماند. بنابراین وقتی امپراتور از این وقایع اطلاع یافت، سرداران رومی را به حمله به سرزمین ایران ترغیب کرد؛ سرداران رومی متفقا به سوی دیوس (دوین) حرکت نمودند و در میان راه نه آسیبی به خاک ایرانیان وارد آوردند و نه جایی را غارت کردند» (Procopius, Book II, XXIV. 15-21).

نتیجه جنگ این شد که ایرانیان به فرماندهی نابد توانستند لشکریان رومی را شکست داده و آنها را مجبور به فرار کنند. چنانکه پروکوپئوس می‌نویسد: «این واقعه از کلیه مصائب دیگری که پیش از به رومیان رو کرده بود، سخت تر و هولناک تر بود، زیرا گروه بسیاری از آنان به هلاکت رسیدند و گروه زیاد دیگری نیز به دست دشمن افتادند» (Procopius, Book II, XXV. 33-35).

پس از مدتی، ارمنستان و به ویژه دوین باز منشاء اختلافات و درگیری‌های میان ایران و روم در سال ۵۷۱ میلادی و در زمان امپراتور ژوستین دوم (۵۶۵-۵۷۴ م.) شد (Theophylact, 1986: 85). چنانکه مرزبان ایرانی که در شهر دوین قرار داشت به وسیله شورشیان ارمنی به قتل رسید. این واقعه باعث حمایت رومی‌ها از شورشیان و شروع درگیری ایران و روم شد. به گفته‌ی تئوفیلاکت سیموکاتا اغتشاشات ارمنستان که مسبب آن بیشتر رومی‌ها بودند آخرین تردیدها را برای شروع جنگ از بین برد (Theophylact, 1986: 86). در واقع ماجرا از این قرار بود که خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م.) حاکمی ایرانی از خاندان سورن (چهر گشنسب) را

شهر دوین به عنوان شهری که مرزبان در آن حضور دارد، انتخاب شد که نشان می‌دهد این شهر هم چنان اهمیت خود را حفظ کرده است.

در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی، روابط ایران و بیزانس باز به تیرگی انجامید که یک سری درگیری‌ها میان طرفین را در بر داشت؛ در این جنگ‌ها شهر دوین به عنوان کانون درگیری‌ها مطرح می‌شود، چنانکه پروکوپئوس درباره نقش و جایگاه شهر دوین در جنگی که میان ایران و بیزانس در نواحی شمال غربی در سال ۵۴۳ میلادی رخ داد^۱ (شیپمان، ۱۳۸۴، ۶۲)، چنین می‌نویسد:

«خسرو از خاک آشور بازگشت و به آذربایجان در سمت شمال رفت و قصد داشت که از راه ارمنستان به خاک روم حمله نماید. در آذربایجان مردی از اهالی بیزانتیوم به نزد خسرو آمد و به وی خبر داد که به زودی سفرایی به نزد وی خواهند آمد تا ترتیب بستن صلح با او را بدهند. لیکن چون حرکت سفرا به تعویق افتاد و ضمنا بیماری طاعون نیز در میان ایرانی‌ها شیوع یافت. از این رو نابد که در آن وقت فرمانده قشون ارمنستان ایران بود به فرمان شاهنشاه، اسقف مسیحیان شهر دیوس (Dubius) را نزد والرینوس سردار رومی که در ارمنستان بود، فرستاد تا او را به سبب تأخیر آمدن سفرا نکوهش کند و ضمنا رومیان را با شتاب وادار به بستن صلح کند. وی ادامه می‌دهد، هر چند که این

۱. پیگولوسکایا در کتاب خود «اعراب، حدود مرزهای روم شرقی و ایران» آورده است که پیش از آن، در اوایل قرن ششم میلادی حدود سال ۵۳۱ میلادی در زمان درگیری‌های ایران و روم در زمان قباد اول، شهر بازرگانی دوین که سرشار غنایم و ثروت عظیم بود، به چنگ سرداران رومی افتاد (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۱۱).

و شریک او نیز چاره‌ای جز درخواست صلح نداشت. متارکه‌ای بی‌دوام منعقد شد اما نتوانست ادامه‌ی صلح را تضمین کند و جنگ هم‌چنان در ارمنستان ادامه یافت.

در حمله‌ای که خسرو شخصاً در سال ۵۷۵ میلادی به ارمنستان کرد، در آغاز پیروزی با ایرانیان بود، اما سرنوشت جنگ تغییر یافت و سپاه نیرومندی از بیزانس‌ها خسرو را شکست دادند. ساسانیان که جرأت خود را از دست داده بودند در سال ۵۷۶ میلادی تمایل داشتند که بر سر بستن عهدنامه‌ی صلح به مذاکره بنشینند؛ اما پیروزی بزرگ بر سپاه بیزانس در ارمنستان، رشته‌ی گفت‌وگوهای صلح را گسیخت (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۲ بسنجید با؛ Greatrex & Lieu, 2005: 152-162). در جنگ سال ۵۷۸ میلادی، فرمانده جدید سپاه بیزانس به نام موریکوس یا موریس توانست چندین دژ ایرانی را مسخر سازد و شماری را به اسارت در آورد. اما در این هنگام آرامنه به شورش خود پایان دادند و فرمان عفو عمومی خسرو، سلطه ساسانیان را بر این سرزمین اعاده کرد (فرای، ۱۳۸۳: ۲۵۷).

به این ترتیب هم بیزانسی‌ها و هم ایرانی‌ها که از جنگ‌های پی در پی خسته شده بودند صلح را استقبال کردند. از این‌رو هنگامی که هیئت سفارت بیزانسی در راه رسیدن به تسیفون بود، خسرو در سال ۵۷۹ میلادی پس از ۴۸ سال زمامداری درگذشت (Theophylact, 1986:98؛ شیپمان، ۱۳۸۴: ۶۵).

در زمان خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸ م.)، شهر دوین به عنوان مرز ایران و بیزانس انتخاب شد؛ در واقع وی پس از به تخت نشستن با حمله بهرام چوبین به پایتخت مواجه شد، وی که توان رویارویی با بهرام

در سال ۵۶۴ میلادی به مرزبانی ارمنستان گماشت؛ این حاکم در تلاش بود تا کیش زردشتی را در ارمنستان گسترش دهد و حتی آتشکده‌ای را در شهر دوین بنا کرد. این رفتار او منجر به قیام مجدد مردم ارمنستان در سال ۵۷۱ میلادی شد (Chaumont, 1987: 431؛ فرای، ۱۳۸۳: ۲۵۶). شورشیان به رهبری وارتان مامیکونیان (که به کارمیر وارتان مشهور بود) دوین را تصرف کرده و مرزبان ایرانی را به قتل رساندند (Sebeos, 1991: Chapter 1). سبئوس در ادامه می‌نویسد: شورشیان ارمنی پس از تسلط بر شهر دوین، آن را نابود کردند (Sebeos, 1991: Chapter 1). وارتان به منظور کسب کمک، سفرایی به بیزانس فرستاد و قیصر ژوستین دوم به شرطی قول مساعد داد که ارمنستان مرزبانی، تابع بیزانس شود. (Greatrex & Lieu, 2005: 149؛ Toumanoff, 1954: 149؛ Chaumont, 1987: 431). در واقع وعده کمک به ارمنی‌ها توسط ژوستین دوم به معنی اعلان جنگ به دولت ساسانی بود. بنابراین خسرو اول با گردآوری سپاهی شخصاً به بین‌النهرین تاخت و انطاکیه و دارا را گرفت؛ در طرف مقابل رومی‌ها به محاصره‌ی نصیین پرداختند که این محاصره نتیجه‌ای نداد. خسرو اول برای سرکوب قیام ارمنستان نیز سپاهی ۲۰ هزار نفری با تعدادی فیل به فرماندهی مهران مهربندگ گسیل کرد، لیکن این سپاه شکست سختی خورد و مهران مهربندگ و تعداد کمی از نیروهای ساسانیان توانستند از معرکه جان سالم به در برند و به ایران فرار کنند (Sebeos, 1991: 5-6). از آن پس بخش بزرگی از ارمنستان تحت سلطه بیزانس درآمد. تصرف انطاکیه و دارا باعث استعفا ژوستین دوم شد (Greatrex & Lieu, 2005: 151). تیریوس جانشین

پس از مدتی خسرو پرویز با به سلطنت رسیدن فوکاس، قتل موریس را بهانه قرار داد و به سرزمین‌های شرقی بیزانس لشکر کشید (ابن العبری، ۱۳۷۱: ۱۲۲)؛ این لشکرکشی گرچه در ابتدا موفقیت‌هایی را در پی داشت تا جایی که قلمرو سرزمین ایران به حدی رسید که در طول تاریخ ساسانیان، بی سابقه بود؛ اما با اتحاد کلیسا و مردم بیزانس و رهبری هراکلیوس، این شکست‌ها به پیروزی مبدل گشت. سبئوس در مورد لشکرکشی هراکلیوس به سرزمین ایران و تخریب شهر دوین می‌نویسد:

هراکلیوس (Heraclius) با ۱۲۰/۰۰۰ هزار نفر به قصد دربار ایران از طریق شمال حرکت کرد، وی پس از عبور از مقابل شهر کارین (Karin) به دوین در آیراراتان (Ayraratean Dwin) و نخجوان (Naxchawan) رسید، که هر دو شهر را طعمه آتش کرد (Sebeos, 1991: Chapter 26).

سبئوس در کتاب خود نام چند تن از مرزداران کشور ارمنستان را که در شهر دوین، در بخشی که تحت تسلط ایران بود، حکومت می‌کردند، را آورده است: وندآتکان نیخوراکان (Vndatakan) که سربازان ایرانی، وی را در دوین کشتند؛ مرکوت (Merkut)، یزدن (Yazden)، بوتما (Butmah)، یمن (Yeman) (Sebeos, 1991: Chapter 20).

با سقوط ساسانیان و ظهور اعراب، شهر دوین توسط مسلمانان در ۱۷ شوال سال نوزدهم هجری یا ششم اکتبر سال ۶۴۰ میلادی فتح شد و پس از آن اهمیت خود را به شدت از دست داد (Kettenhofen, 1996: 616-619). با توجه به گفته سبئوس (Sebeos) و کاتالیکوس جان پنجم تاریخ‌نویس،

پنجم را نداشت به سرزمین‌های بیزانس پناه برد؛ چنان که در منابع آمده است وی خود را به انطاکیه رساند و از آنجا نامه‌ای را برای حمایت امپراتور بیزانس برای باز پس‌گیری تاج و تختش فرستاد (طبری، ۱۳۷۵، ۷۲۸). پس از موافقت موریس، خسرو پرویز به حمایت نیروهای بیزانسی توانست به تاج و تخت سلطنت دست پیدا کند.

سبئوس از وعده‌های خسرو به بیزانس در ازای کمک آنها در باز پس‌گیری سلطنتش در کتاب خود می‌نویسد: خسرو در پیام خود به ماوریکوس از اروستان (Aruastan) تا شهر نصیین در سوریه (احتمالاً منظورش میان رودان بوده است)، از ناحیه تانوتراکان (Tanuterakan) تا آارات و شهر دوین (Dwin) در ارمنستان و تاساحل دریای بزنونیک (Bznunik) (دریاچه وان) و آهستوان (Arhestawan) و قسمت بزرگی از سرزمین ایبریا تا شهر تفلیس صرف نظر کرد

(Sebeos, 1991: Chapter 2; Teophilact)
بنابراین می‌توان گفت در این زمان شهر دوین و دریاچه وان و تفلیس به عنوان سرحد مرزی میان ایران و روم انتخاب شده است. این امر گویای این حقیقت است که حتی در زمانی که وضعیت دولت ساسانی نابسامان بود، ایرانی‌ها حاضر نبودند، شهر دوین را که از لحاظ ژئوپلیتیک و نظامی نقش مهمی در تسلط این منطقه داشت را به بیزانسی‌ها واگذار کنند. در دوران خسرو پرویز سمبات (Smbat) به مدت هشت سال مرزبان ارمنستان شد. در همین دوران بود که وی از شاه درخواست کرد که کلیسایی به نام سنت گریگوری در شهر دوین بسازد که شاه با او موافقت کرد (Sebeos, 1991: Chapter 17).

شهر دوین در سال ۶۴۰ میلادی در زمان سلطنت کنستانس دوم و کاتلیکوس عزرا تسخیر شد. در دوران سلطه ی عرب‌ها، ارمنستان ایران و ارمنستان بیزانس به همراه گرجستان و آغوانک تبدیل به ایالت ارمنیه شدند (بوزند، ۱۳۸۳: ۲۹۷).

ب) مناسبات اقتصادی؛ تجاری و بازرگانی

شهر دوین، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی که در عصر باستان داشت به عنوان یک مرکز مهم مبادلات بین‌المللی نقش مهمی را در تجارت با آسیای میانه و صغیر دنبال می‌کرد؛ در واقع پس از تقسیم ارمنستان بین بیزانس و ساسانی در سال ۳۸۷ میلادی، دوین نقشش به عنوان پایتخت و مرکز عمده تجاری ارمنستان شرقی پررنگ تر شد. تا جایی که پس از انقراض سلسله آرشاکونی در اواسط قرن پنجم، ارمنستان توسط مرزبان‌ها (Marzbanate) اداره شد و پایتخت در دوین (Dwin) در نزدیکی مرزهای شمالی آرتاشات قرار گرفت. این عامل باعث شد که از اهمیت کلان شهر تجای ارمنستان، آرتاشات به صورتی روز افزون کاسته شود و شهر دوین که مجاور آن بود به مرکز سیاسی و اقتصادی مبدل گردید که در آن بیشتر کسبه و پیشه‌وران می‌زیستند. پس از این انتقال، شهر دوین به نقش مهم خود در تجارت بیزانس با ایران ساسانی و هم‌چنین به عنوان یک مرکز برای تجارت بین‌المللی مانند آرتاشات ادامه داد.

مهم‌ترین اقلامی که در آرتاشات و دوین مورد مبادله قرار می‌گرفت بدون شک ابریشم و پارچه‌های چینی بود. یک منبع غیر مستقیم به مبادله ابریشم اشاره کرده که می‌توان از آن حداکثر استفاده را برد و آن اثر بزرگ فرانکیش، مورخ گریگوری اهل تورس

(Tours) به نام (*Historia Francorum*) است. به گفته گریگوری توریسی، هنگامی که واردان مامیکونیان (Vardan Mamikonean) و رهبران شورش پس از شورش ۵۷۲ میلادی به بیزانس فرار کردند، آنها با مقدار زیادی ابریشم پیش امپراتور ظاهر شدند، و گفتند که آنها در جنگ با پادشاه ایران بوده‌اند. ارنست اشتاین (Ernest Stein) فکر می‌کند که این امکان وجود دارد که این ابریشم توسط ارمنی‌ها به بیزانس نرفته است، بلکه توسط ترک‌ها به آنجا آورده شده بود. این شک و تردید و دو دلی اشتاین کاملاً بی‌اساس است. چرا که در سال ۵۷۲ میلادی، شورشیان دوین را تصرف کردند و کاملاً محتمل است که آنها شهر را غارت و ابریشم چینی که در آنجا برای تجارت وجود داشت را تصرف کردند (Manandian, 1965: Chapter 4.23).

در دوین بازرگانان متعددی بودند که از هند، گرجستان و تمام قسمت‌های ایران و از چند کشور زیر فرمان روم به آنجا آمده بودند، تا تجارت کنند. پروکوپئوس در این باره می‌نویسد:

«در این خطه دشت‌های پهناور برای سواری و دهات و روستاهای بزرگ و پر جمعیت در نزدیکی هم واقع‌اند و بازرگانان زیادی در این جا به سوداگری مشغولند، زیرا انواع کالاها از هندوستان و نواحی مجاور ایبری و استان‌های ایران و حتی از متصرفات روم بدانجا می‌آید و داد و ستدهای بازرگانی بزرگ در آنجا صورت می‌گیرد. اسقف مسیحیان در آن ایالت به زبان یونانی کاتولیکوس نامیده می‌شود، زیرا وی به تنهایی ریاست امور روحانی همه آن نواحی را عهده‌دار است» (Procopius, XXV. 2-10).

اقتصادی و صنعتی، در تجارت با آسیای میانه اهمیت ویژه‌ای داشت، نقشی که قبلاً تحت سلطه آرتاشات بود. تا جایی که شهرت تولیدات محلی و نقش آن در تجارت منطقه در متون اوایل اسلامی نیز آورده شده است.

ج) مناسبات دینی - مذهبی

ارمنی‌ها در اوایل قرن چهارم میلادی (۳۰۱ م.) با پذیرش رسمی مسیحیت به عنوان دین رسمی کشور (آگاتانگوس، ۱۳۸۰: ۹۳؛ بسنجید با Russell, 1987: 125)، در حفظ هویت مستقل ارمنستان کوشیدند و این اقدام، آنها را به ملتی واحد و یگانه تبدیل کرد. پس از آن رومی‌ها در سال ۳۱۳ میلادی مسیحیت را به عنوان مذهب رسمی امپراتوری به رسمیت شناختند. ارمنی‌ها این بار در اواسط قرن پنجم میلادی با اعلام استقلال کلیسای خود (Panossian, 2006, 43-44; Gordon, 2003, 57)، درصدد بودند که از ادغام هویت فرهنگی خود با روم و بیزانس ممانعت به عمل آورند. به دنبال آن ارمنی‌ها سال ۵۰۵ میلادی در شورای اول دوین که در آن اسقف‌های ارمنی، گرجی، ارانی و سیونیک نیز شرکت داشتند، شورای خالسدون و آئین نسطوری را محکوم کردند. پس از آن، به منظور ایجاد نهضت مردمی بقایای جسد گریگور روشنگر^۱ به شهر دوین منتقل و بر مزار او کلیسای مقدس ساخته شد. بدون کسب نظر از دربار پارس اسقف گیود (Giud) از شاگردان ساهاک و مسروپ ماشتوتس و اسقف خاندان ناخاراری مامیکیان، به عنوان جاثلیق کلیسای ارمنی انتخاب و در همین زمان مقرر رهبری کلیسا از

در این نقل قول بایستی توجه ویژه‌ای به این گفته پروکوپئوس شود که می‌نویسد تجارت در روستاهای پرجمعیت، که در نزدیکی هم قرار گرفته اند، صورت می‌گیرد. در نتیجه ممکن است این فرضیه مطرح شود که به بازرگانان خارجی اجازه داده شده که نه در خود شهر بلکه در حومه شهر زندگی کنند (Manandian, 1965: Chapter 4.23).

علاوه بر شواهد ذکر شده، با بررسی مفاد پیمان صلح سال ۵۶۲ میلادی که میان ژوستینین و خسرو انوشیروان منعقد شده بود، اهمیت شهر دوین به عنوان یکی از مکان‌های مبادله کالا دوچندان می‌شود. طبق بند سوم این معاهده، مراکز تجارت مرزی که در قرن چهارم مورد موافقت قرار گرفته بود، در قرن پنجم و ششم نیز مورد موافقت قرار گرفت. بند سوم این قرار داد نشان می‌دهد که دوین در اواخر دوره ساسانی نقش مهمی را در تجارت بین‌المللی ایفا کرده است؛ در این جا ماده سوم قرارداد آورده می‌شود:

ماده سوم پیمان سال ۵۶۲ میلادی بیزانس و ایران: بازرگانان رومی و ایرانی از هر نوع باید معاملات خود را طبق مرسوم گذشته در مراکز گمرکی تعیین شده انجام دهند. (Menander Protector, Fragment 6.1; Codex Justinianus, 4.36.4)

چنان‌که گفته شد؛ طبق این ماده، بازرگانی هم چنان در مراکز گمرکی معدود و رسمی مجاز به توافق‌های قبلی عطف شده بود، نصیبین، کالینیکوس و دوین (به جای آرتاشات). حق تقدم خود را به عنوان مناطق تجاری حفظ کرده بودند (Dignas; Winter, 2007, 145).

بنابراین بایستی گفت که موقعیت ژئوپلیتیکی که شهر دوین داشت، به عنوان پایتخت و مرکز

۱. مسیحی کردن کشور ارمنستان توسط وی صورت گرفت.

واقع موقعیت ژئوپلیتیکی شهر دوین، این شهر را در شرایطی متمایز نسبت سایر شهرهای مرزی قرار داده بود؛ چنان‌که در رویارویی‌های طولانی ایران ساسانی و روم تسلط بر این شهری مرزی حائز اهمیت گردید. بنابراین در تبیین موقعیت جغرافیایی شهر دوین، جنبه‌های نظامی - سیاسی، اقتصادی و مذهبی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در رابطه با بعد سیاسی - نظامی این شهر باید گفت که دست یافتن به مناطق بین‌النهرین و سواحل دریای سیاه مستلزم تسلط بر این شهر بود. علاوه بر آن دو قدرت بزرگ عصر باستان با تصرف این شهر می‌توانستند مرکز حکومت یکدیگر را مورد هدف حملات نظامی خود قرار می‌دهند.

در بعد اقتصادی و مذهبی نیز این شهر در اواسط قرن چهارم میلادی به بعد به عنوان مرکز تجاری و مرکز کلیسای ارمنستان تبدیل گشت. به عبارتی شهر دوین به عنوان مرکز مهم مبادلات بین‌المللی نقش مهمی را در تجارت با آسیای میانه و بیزانس ایفا کرد؛ چنان‌که در قراردادهایی که میان ایران و بیزانس بسته می‌شد، این شهر به عنوان یکی از مراکز عمده مبادله کالا در نظر گرفته می‌شد. علاوه بر آن، از لحاظ مذهبی نیز به عنوان مقر رهبر کلیسای ارمنی در نظر گرفته شد و در برخی مواقع، شوراها دینی نیز در آنجا شکل گرفت؛ از جمله این شوراها بایستی به شورای اشاره کرد که برای رد افکار و اندیشه‌های نسطوریان به وجود آمده بود. البته باید گفت با سقوط ساسانیان و ظهور اعراب، شهر دوین در ۱۷ شوال سال نوزدهم هجری یا ششم اکتبر سال ۶۴۰ میلادی به دست اعراب مسلمان افتاد و پس از آن اهمیت خود را به شدت از دست داد.

واغارشاباد به دوین منتقل شد و تا ۴۰۰ سال در آنجا باقی ماند (باغداساریان، ۱۳۸۰: ۹۷). بنابراین در نیمه دوم قرن پنجم میلادی شهر دوین محل پاتریارخ (کاتولیکوس (catholicus)) ارمنستان و مرکز کلیسای ارمنی شده بود (Kettenhofen, 1996: 616-619).

در دوین تعدادی از شوراها کلیسایی نیز برگزار شد (Kettenhofen, 1996, 616-619) از جمله این که، پس از گسترش عقیده نسطوری، جاثلیق ارمنی را چنان دچار آزدگی و رنجش کرده بود که شورای سوم دوین (بخش اول ۶۰۴ م.) مجبور به وضع قوانین خاص برای افراد گرویده به آئین نسطوریت گردید (باغداساریان، ۱۳۸۰: ۱۱۱). درباره کارکرد دینی این شهر نیز می‌توان به ایجاد آتشکده و کلیسا توسط مرزبان‌های شهر دوین اشاره کرد که واکنش دو دولت ایران و بیزانس و هم چنین اهالی و بزرگان ارمنی را به دنبال داشت. از جمله می‌توان به ساخت آتشکده‌ای توسط مرزبان ایرانی اشاره کرد که با قتل وی همراه بود (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به (Sebeos, 1991: Chapter 1).

۴. نتیجه‌گیری

شهر دوین از لحاظ موقعیت جغرافیایی در شمال پایتخت باستانی قبلی ارمنستان آرتاشات، در سمت چپ ساحل آزات در حدود ۳۵ کیلومتری جنوب پایتخت کنونی ارمنستان در ایروان قرار گرفته است. این شهر از اواسط قرن چهارم میلادی به بعد به عنوان مرکز ارمنستان ایران انتخاب گردید؛ این مرکزیت حتی پس از انقراض سلسه آرشاکونی در سال ۴۲۸ میلادی و روی کار آمدن مرزبان‌ها نیز ادامه پیدا کرد، تا جایی که در این دوران مقر آنها (مرزبان نشین‌ها) نیز در این شهر قرار گرفت. در

منابع

- کیکاوس جهاننداری. تهران: فرزان روز.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- فرای، ریچارد (۱۳۸۳). «*تاریخ سیاسی ساسانیان*». *تاریخ ایران ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*. گردآورنده احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر. ص ۲۱۷-۲۷۶.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۷۵). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. چاپ نهم. تهران: دنیای کتاب.
- لانگ، دیوید مارشال (۱۳۸۳). «ایران، ارمنستان و گرجستان». *تاریخ ایران*، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر. صص ۶۱۷-۶۴۹.
- مقدسی، أبو عبدالله محمد بن أحمد (۱۳۶۱). *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- موسی خورنی (۱۳۸۰). *تاریخ ارمنیان*، ترجمه و حواشی ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک). تهران: [بی نا].
- میرحیدر، دره (۱۳۸۰). *مبانی جغرافیای سیاسی*. چاپ نهم. تهران: سمت.
- ورستنادیک، آندره (۱۳۸۶). *تاریخ امپراتوری اشکانیان*. ترجمه محمود بهفروزی. تهران: جامی.
- ویدن گرن، گئو (۱۳۷۷). *دین‌های ایران*. ترجمه منصور فرهنگ. تهران: آگاهان ایده.
- ویتر، انگلبرت؛ دیگناس، بئانه (۱۳۸۶). *روم و ایران (دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی)*. ترجمه کیکاوس جهاننداری. تهران: فرزان روز.
- آکاتانگوس (۱۳۸۰). *تاریخ ارمنیان*. ترجمه گارون سارکسیان. تهران: نائیری.
- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱). *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*. ترجمه عباس خلیلی. ابوالقاسم حالت. تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
- ابن الفقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق (۱۳۴۹). *ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران)*، ترجمه ح. مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- باغداساریان، ادیک (۱۳۸۰). *تاریخ کلیسای ارمنی*. تهران: [بی جا].
- بلاذری، أبو الحسن أحمد بن یحیی (۱۳۳۷). *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل. تهران: نقره.
- بیوار، ا. د. ه (۱۳۸۳). «*تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان*». *تاریخ ایران*. گردآورنده احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.
- پاوستوس بوزند (فوستوس) (۱۳۸۳). *تاریخ ارمنیان*. ترجمه گارون سارکسیان. تهران: نائیری.
- پیگولوسکایا، نیناویکتوروونا (۱۳۷۲). *اعراب، حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های چهارم - ششم میلادی*. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پیگولوسکایا، نیناویکتوروونا (۱۳۸۷). *شهرهای ایران: در روزگار پارتیان و ساسانیان*. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: علمی و فرهنگی.
- خداوردیان، ک.س و دیگران (۱۳۶۰). *تاریخ ارمنستان*. ترجمه ادیک باغداساریان (ا. گرمانیک). تهران: [بی نا].
- دریایی، تورج (۱۳۸۳). *شاهنشاهی ساسانی*. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس.
- سارکسیان، ک. خ و دیگران (۱۳۶۰). *تاریخ ارمنستان*. ترجمه ا. گرمانیک. تهران: [بی نا].
- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۴). *مبانی تاریخی ساسانیان*. ترجمه
- Adontz, Nicolas, (1970). *Armenia in the Period of Justinian: The Political Conditions Based on the Naxarar System*. Trans. Nina G. Garsoïan. Lisbon: Calouste Gulbenkian Foundation.
- Baynes, N. H. (1910). "Rome and Armenia in the Fourth Century", *The English Historical Review*, Vol. 25, No. 100, pp. 625-643.
- Blockley, R. C.(1987). " *The Division of Armenia*

- Menander Protector, (1985), *History of Menander the Guardsman*, tr. R. C. Blockley, Liverpool, 1985.
- Mongait, A. L., (1961), "Ancient and Medieval States of the Caucasus(Chapter 7) ", in Archaeology in the U.S.S.R. Arkhaeologiya v SSSR Excerpts (continued), Moscow, 1955, English Translation by M. W. Thompson, London.
- Panossian, Razmik, (2006). *The Armenians : from kings and priests to merchants and commissars*, London, Hurst& Company.
- P'arpeci's, Ghazar, (1991). *The History of Lazar Parpeci*, Translated by R. W. THOMSON, Occasional Papers and Proceedings, Atlanta, Scholars Press.
- P'awstos Buzandac'i's, (1985). *History of the Armenians*, translated by Robert Bedrosian (New York, 1985). DS181 .P3813 1985. [Fifth Century History.] Online HTML version at: P'awstos Buzandac'i's History of the Armenians. See <http://rbedrosian.com/hsrces.html>.
- Procopius, (2005). *History of the Wars: The Persian War, Books I and II* (of 8), Trans, H. B. Dewing, E-text prepared by Jonathan Ingram, Jayam, and the Project Gutenberg Online Distributed Proofreading Team (<http://www.pgdp.net/>).
- Russell.J.R,(1987). *Zoroastrianism in Armenia*, Harvard Iranian Series, Cambridge, Massachusetts.
- Schippmann,K.(1989). "Balaš,Sasanian king of kings", Encyclopedia Iranica,Vol. III,(p.579).
- Sebeos, (1991), *The Armenian History Attributed to Sebeos*, trns by by R. W. Thomson; James Howard-Johnston, Liverpool, Liverpool University Press.
- Theophylact Simocatta, (1986). *The History of Theophylact Simocatta, an English translation with introduction and notes, trans by Michael Whitby and Mary Whitby*, Oxford, Clarendon Press.
- Toumanoff, C. (1954). "Christian Caucasia Between Byzantium and Iran : New Light from Old Sources" Traditio, Vol. 10, (pp. 109-189).
- Toumanoff, C. (1961). " Introduction To Christian Caucasian History: II : States and Dynasties of the Formative Period", Traditio, Vol. 17, pp. 1-106.
- Toumanoff, C. (1971). "Caucasia and Byzantium", Tradition, Vol. 27, pp. 111-158.
- between the Romans and the Persians at the End of the Fourth Century A.D.", *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte*, Bd. 36, H. 2, pp. 222-234.
- Blume, Fred H; (2009), *Annotated Justinian code*,revised by Timothy Kearley; University of Wyoming. College of Law., [Laramie, Wyo.], University of Wyoming College of Law. <https://uwacadweb.uwyo.edu/blume&justinian/> (accessed, February,24, 2013).
- Bournoution, G. A. (1995). *A History of the Armenian people*, Volume I, Pre-History to 1500 A.D, califonia, mazda publishers.
- Canard, M., (1983), "Dwin", in *Encyclopaedia of Islam*, Vol. 2, C-G, Edited by B. Lewis, Ch. Pellat and J. Schacht. Assisted by J. Burton-Page, C. Dumont and V.L. Ménage as Editorial Secretaries, Leiden, E.J.Brill.
- Chaumont,M.L. (1987). "Armenia and Iran" , Ehsan yarshater(Ed), in: ii. The pre-Islamic period Encyclopedia Iranica, Vol 3, London and Henley: Routledge & Kegan paul, pp.(pp. 418-438).
- Dignas, B., Winter, E., (2007). *Rome and Persia in Late Antiquity: Neighbours and Rivals*, Cambridge and New York, Cambridge University Press.
- Elishē (Vardapet). (1982). *History of Vardan and the Armenian War*, translated and Commentary by Robert W. Thomson, Harvard University Press, Cambridge, Massachusetts.
- Greatrex, G. ; Lieu. S. N.C.(2005), *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars (part II AD 363-630 AD)*, London and New York, Routledge.
- Grosby, S. (1997). "Borders, Territory and Nationality in the Ancient Near East and Armenia Aut horfs", *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol. 40, No.1, pp. 1- 29.
- Henzel, Judy.H., (2008). *A Comparison and Contrast of the History of Christianity as it Developed in Cappadocia and Armenia during the First Five Centuries AD*, A Thesis Presented to the Graduate School of Clemson University.
- Kettenhofen, Erich, (1996). *Dvin*, www.iranicaonline.org.
- Manandian, Hakob. A., (1965), *The trade and cities of Armenia in relation to ancient world trade*, Lisbon, Bertand: <http://rbedrosian.com/Ref/tca1.htm>
- Melton, J. Gordon, (2003), *Encyclopedia of American Religions*, 7th edition, Detroit, Ga le.